

فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۹۱-۳۱۲

بررسی استفاده از رویکرد تفسیر بالمأثور در تفسیر المیدانی

مصطفی عطار آبکناری*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۹

سیدمحمدعلی ایازی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۶

کاظم قاضی زاده***

چکیده

تفسیر «معارج التفکر» به سبک تنزیلی توسط المیدانی از مفسران معاصر اهل سنت به رشته تحریر در آمده است و یکی از ابزارهای مفسر در این تفسیر استفاده از تفسیر بالمأثور می‌باشد. در این پژوهش ضمن تبیین دقیق نحوه بهره‌گیری مفسر از روایات، رابطه این رویکرد با سبک تفسیر تنزیلی مفسر واکاوی شده است. این تحقیق از نوع پژوهش‌های بنیادی بر پایه مطالعات نظری است که به روش تحلیل محتوای توصیفی با بررسی مدارک و اسناد (روش گردآوری کتابخانه‌ای) در صدد آن است با دسته‌بندی روایات مورد استفاده مفسر از حیث محتوای روایات و نیز منبع صدور روایات، تبیین دقیقی از عملکرد المیدانی در حوزه تفسیر بالمأثور صورت گیرد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که عمده نتایج تفسیری مبتنی بر روایات در تفسیر المیدانی حاصل توجه به تنزیل نیست و از مبانی غیر تنزیلی مفسر مثل مبانی کلامی و نگرش‌های اعتقادی و ادبی ایشان حاصل شده است. لازم به ذکر است این پژوهش از جهت محتوایی و همچنین از حیث بررسی رابطه رویکرد تفسیر روایی با سبک تنزیلی کاملاً تازگی دارد.

کلیدواژگان: تفسیر روایی، تنزیل، تفسیر معارج التفکر و دقائق التدبر، المیدانی.

* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ayyazi1333@gmail.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
نویسنده مسئول: سیدمحمدعلی ایازی

مقدمه

تفسیر بالمأثور تفسیری است که در آن آیه به وسیله روایتی از رسول الله (ص)، صحابه، تابعین، اهل بیت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) تفسیر شود. تفسیر بالمأثور بر تمامی جریان‌های تفسیری تأثیر گذاشته است. یکی از جریان‌های متأخر تفسیری، تفسیر بر مبنای تنزیل است و پیروان آن مدعی هستند که مبنای فهم قرآن، ترتیب بر اساس تنزیل می‌باشد. هدف این مقاله بررسی رابطه رویکرد تفسیر روایی با سبک تنزیلی است که موضوعی بدیع می‌باشد.

المیدانی در طول ۱۵ جلد تفسیر تنزیلی خویش که شامل سور مکی می‌شود از انواع ابزارهای تفسیری از جمله تفسیر بالمأثور در جهت تبیین آیات الهی بهره برده، لیکن سؤال اصلی این پژوهش آن است که *المیدانی* چگونه و به چه میزانی از روایات در تفسیر تنزیلی خویش بهره برده است؟ و ارتباط تفسیر بالمأثور و تنزیلی چیست؟

پیشینه تحقیق

در سده معاصر گونه‌ای از تفسیرنگاری مطرح شده است که به رغم آنکه می‌کوشد پیشینه خویش را به عصر نخست تاریخ تفسیر بازگرداند، اما بدون تردید طرح و شیوع آن در دهه‌های اخیر رخ نموده است. این شیوه ترتیب تفسیر را بر بنیان ترتیب نزول قرار می‌دهد. عده‌ای تفسیر ترتیب نزولی را گامی مهم و حرکتی سازنده و تأثیرگذار در فهم قرآن قلمداد نموده‌اند و عده‌ای این ادعا را مبالغه‌ای بیش‌تر نمی‌دانند و معتقدند بر فرض که این شیوه فوایدی داشته باشد، در تفسیرهای رایج و بر اساس ترتیب مصحف نیز این فواید قابل تحصیل است. مقالاتی در زمینه تنزیل به رشته تحریر در آمده است که اهم آن عبارت‌اند از «معیارهای تاریخ‌گذاری سوره‌ها در تفسیر تنزیلی قرآن»، عباس اشرفی، مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۶۷، ۱۳۹۹. «نقد و بررسی کارکرد اهتمام به تنزیل در تفسیر معارج التفکر و دقائق التدبر»، مصطفی عطار آبکناری، مجله پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۸. «نگاهی نو به ترتیب آیات»، یونس گلمحمدی، مجله پرتو وحی، بهار و تابستان ۱۳۹۶. «تفسیر به ترتیب نزول، مبانی، فواید، چالش‌ها، بایسته‌ها»، مجید چهری، فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث، شماره

۲۳، سال ۱۳۹۳. «تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت»، محمد کاظم شاکر، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲-۶۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۹.

لیکن موضوع اصلی این مقاله بررسی تفسیر تنزیلی /المیدانی از حیث نحوه بکارگیری روایات در آن است و هرچند در مورد تفسیر ایشان کارهای پژوهشی دیگری صورت گرفته است ولی بررسی رویکرد بالمأثور در این تفسیر، پژوهشی جدید است که پیش از این صورت نگرفته است.

روایات ترتیب نزول سور

مبنای تفسیر بر اساس تنزیل، روایاتی است که بیان‌کننده ترتیب نزول سوره‌های قرآن است. /المیدانی جدول ترتیب نزول مورد نظر خود را اینگونه معرفی می‌نماید: «ترتیب نزول قرآن با نظر در ترتیب نزول سور مبین نزد علمای تنزیل شناخته می‌شود و در یک سوره ترتیب نزول مطابق ترتیب آیات آن است مگر آنکه نصی بر خلاف آن درباره یک یا چند آیه وجود داشته باشد» (المیدانی، ۱۴۳۰ق: ۱۵۳). ایشان در ابتدای جدولی که ارائه نموده است می‌نویسد: «چیزی که در این جدول ثبت شده آن چیزی است که علمای قرائات در کتب قابل اعتماد از شیخ قاری مصری محمد علی خلف الحسینی که در کتب اصلی قرائات و تفسیر مورد اعتماد است» (همان: ۱۷۸). /المیدانی معتقد است اجتهاد شخصی جایگاهی در تعیین ترتیب نزول سوره‌ها ندارد و در این باره باید حتماً به روایاتی که درباره ترتیب نزول سور وجود دارد مراجعه شود لذا نظر کسانی را که از روی اجتهاد و تحلیل شخصی خود، سوره حمد را اولین سوره نازل شده می‌داند، قابل قبول نمی‌داند. این در حالی است که برخی مفسران نظیر علامه طباطبائی نظری کاملاً متعارض با این نظر دارند و معتقدند تنها راه تشخیص سوره‌های مکی و مدنی، تدبر در سیاق آیات و استمداد از قراین داخلی و خارجی است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۲۳۱).

روایات مربوط به آیات مستثنیات

آیات مستثنیات یکی از موارد اختلاف علمای علم تفسیر است. مفسران در اینکه سوره‌های قرآن به صورت دفعی و پیاپی نازل شده و پس از اتمام نزول آیات یک سوره،

نزول آیات سوره بعد شروع شده است یا اینکه آیات را در سوره‌ها پراکنده و متناسب با شرایط و مقتضیات خاص است که به دستور پیامبر(ص) یا اجتهاد صحابه در کنار هم چیده شده‌اند اختلاف نظر دارند. یکی از موارد عمده اختلاف در این زمینه گرایش برخی از مفسران به وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی و وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی است که اصطلاحاً به آن‌ها آیات مستثنیات گفته می‌شود. آیت *الله* معرفت باور کسانی را که به آیات مستثنیات اعتقاد دارند از روی حدس یا اجتهاد یا نقل ضعیف می‌داند و می‌گوید سخن آنان به هیچ نص صحیحی مستند نمی‌باشد (معرفت، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۷۰). شاید وجود یا عدم وجود آیات مستثنیات تأثیر چندانی در تفاسیری که به شیوه رایج ترتیبی نگاشته شده‌اند نداشته باشد ولی در تفسیر تنزیلی که مبنای اصلی مفسر سیر نزول سور و آیات است بسیار تاثیرگذار خواهد بود لذا شیوه برخورد مفسر در این نوع تفاسیر با این آیات بسیار حائز اهمیت است. عده‌ای از مفسران تنزیلی همچون بهجت‌پور سعی در انکار وجود این آیات به صورت گسترده دارند و ضمن پذیرش وجود آیات مستثنیات تعداد این آیات را اندک می‌داند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ش: ۱۹).

اما *المیدانی* وجود این آیات را حکیمانه می‌داند و علاوه بر آنکه در ابتدای تفسیر برخی از آیات سوره‌ها و قبل از ورود به تفسیر آن‌ها به ترتیب نزول آن بخش از آیات اشاره می‌کند و حکمت قرار گرفتن تعدادی از آیات مدنی در سور مکی یا بالعکس را بیان می‌کند. در کتاب «قواعد التدبر الأمثل» قاعده دهم را تحت عنوان حکمت قرار گرفتن آیات مدنی در سوره‌های مکی و قرار گرفتن آیات مکی در سوره‌های مدنی، به این موضوع اختصاص می‌دهد. *المیدانی* حکمت وجود این مستثنیات را رعایت دو اقتضای می‌داند که عبارت‌اند از: ۱- اقتضای فکری موضوعی ۲- اقتضای تربیتی (المیدانی، ۱۴۳۰ق: ۱۸۵).

المیدانی معتقد است که در ۳۳ سوره مکی و ۳ سوره مدنی آیات مستثنیات وجود دارد همچنین آیه ۱۳ سوره محمد که سوره‌ای مدنی است در مسیر هجرت نازل شد و نزول آیه ۳ سوره مائده که از سوره‌های اواخر دوره مدنی است تا حجة الوداع و روز عرفات یعنی بعد از نزول سوره توبه به تعویق افتاد (همان). لذا طبق بیان مفسر، در مواردی بنا بر اقتضای حکمت الهی و حال مخاطب ممکن است برخی از آیات یک سوره

مثلاً مدنی - مکی باشند و یا بالعکس. به عنوان مثال وی در ابتدای تفسیر سوره قلم بخشی از آیات این سوره را که شامل آیات ۱۷ تا ۳۳ و همچنین ۴۸ تا ۵۰ می‌شود مدنی می‌داند که در سوره‌ای مکی واقع شده‌اند (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۳۴) ولی نکته قابل تأمل آن است که ایشان در این نمونه اشاره‌ای به مستندات خود مبنی بر مدنی بودن بخش از آیات سوره قلم نکرده است. البته با جست‌وجو در تفاسیر دیگر (رک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۲۷). مستندات این ادعای مفسر قابل احصا می‌باشد مثلاً در «تفسیر المیزان» آمده است: «سیاق همه آیات این سوره سیاق آیات مکی است، و از ابن عباس و قتاده نقل شده که گفته‌اند: اوایل این سوره تا آیه ﴿سَسِمُهُ عَلَى الْخَرْطُومِ﴾ در مکه نازل شده، و ما بعد آن تا جمله ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ در مدینه نازل شده، و نیز بعد از آن جمله تا جمله ﴿يَكْتُبُونَ﴾ در مکه و ما بعد آن تا آخر سوره در مدینه نازل شده این نقل نسبت به هفده آیه یعنی از جمله ﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ﴾ تا جمله ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ بی‌وجه نیست، زیرا به آیات مدنی شبیه‌تر است تا آیات مکی» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۶۸).

المیدانی در برخی مواضع با اشاره به روایات نزول آیات و سور می‌کوشد از آن در جهت تقویت مبانی تنزیلی تفسیر خود بهره‌برد و تلاش می‌کند آیات موجود در یک سوره مکی را که مدنی هستند [یا بر عکس] شناسایی کند تا شاید به فهم دقیقی از آیات به همراه توجه به زمان نزول آنها، برسد. به عنوان نمونه در بحث نزول سوره مزمل - که به عنوان سومین سوره نازل شده در مکه می‌باشد - به چند روایت اشاره کرده است که نشان می‌دهد برخی از آیات آن سوره در مدینه نازل شده است: «از ابن عباس و قتاده روایت شده است که آیات ۱۰ و ۱۱ در مدینه نازل شده‌اند... طبری از سعید بن جبیر هم روایت می‌کند که...؛ از این استفاده می‌شود که آیه آخر (یعنی آیه ۲۰) از سوره مزمل در مدینه نازل شده است؛ زیرا بنا بر قول اکثر علمای سیره پیامبر (ص) مقام و جایگاه پیامبر (ص) در مکه بعد از بعثت ده سال بوده است» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۵۲).

روایات اسباب نزول

یکی از بیش‌ترین مباحث روایی که در تفسیر *المیدانی* ظهور دارد، روایات اسباب النزول می‌باشد که در بیش‌تر موارد و معمولاً قبل از تفسیر آیات بدان پرداخته شده

است. هرچند در وهله اول اینگونه به ذهن متبادر می‌شود که این روایات ارتباط تنگاتنگی با سیر تنزیلی آیات دارند و مفسر تنزیلی باید در فهم در چهارچوب ترتیب نزول آیات استفاده‌های وافری از آن ببرد ولی واقعیت آن است که مگر در موارد نادری چنین ارتباطی که منجر به فهم دقیق‌تر آیات شود دیده نمی‌شود. لیکن برخی از مفسرین تنزیلی کوشیده‌اند تا این خلأ را به نحوی پر نمایند. از آن جمله می‌توان به ارتباطی که بهجت‌پور بین تنزیل و اسباب نزول برقرار نموده است اشاره نمود.

بهجت‌پور سعی کرده تا از تنزیل اولاً برای کشف صحت یا عدم صحت روایات متعدد شأن نزول بهره ببرد. ایشان با بیان اینکه این روایات متنوع و بعضاً متناقض که با اغراض سیاسی، مذهبی، فرقه‌ای بدعت‌گذاری، قصه‌سرایی و خرافه‌گویی به تفاسیر راه یافته‌اند از جمله مشکلات عملیات تفسیرند و دانشمندان علوم قرآنی و مفسران برای کشف صحت آن‌ها از روش‌هایی چون توجه به سند یا تعدد نقل‌های صورت گرفته ذیل آیه بهره برده‌اند ولی به نظر ایشان راه تشخیص راستی یا ناراستی این روایات توجه به زمان نزول سوره‌هاست. به عنوان مثال روایت سیوطی در مورد آیات ۱۲۶ تا ۱۲۸ سوره نحل که درباره ایستادن پیامبر(ص) بر سر نعل حمزه و منع جبرئیل از این کار است را با توجه به اینکه سوره نحل از سور مکی و در ردیف ۷۰ نزول قرار دارد و جنگ احد در سال چهارم هجری رخ داده است اشتباه می‌داند. همچنین روایت سیوطی درباره اینکه ۲۷ تا ۳۰ سوره فجر درباره حمزه نازل شده است را به سبب اینکه این سوره مکی و در ردیف دهم نزول قرار دارد رد می‌کند. یا اینکه روایت آمده در «اسباب النزول» نیشابوری درباره سؤال عایشه از پیامبر(ص) که سبب نزول آیه ۳۷ سوره عبس شد را با توجه به اینکه این سوره در اوایل بعثت نازل شده رد می‌نماید (بهجت‌پور، ۱۳۹۳ ش، ج ۱: ۷۹).

دومین استفاده بهجت‌پور از سیر تنزیلی سور در برخورد با روایات شأن نزول تشخیص روایات تطبیقی و تنزیلی و جلوگیری از خلط این دو دسته روایات است. به این معنا که ایشان معتقد است برخی از روایات اشتبهاً به عنوان شأن نزول مطرح شده‌اند و در واقع روایات تطبیقی هستند. مثلاً روایتی که در تفسیر قمی ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره علق آمده و شأن نزول این آیات را مربوط به وفات سخنان/بوجهل و ولید پس از وفات ابوطالب می‌داند از باب تطبیق آیات بر این واقعه می‌داند نه شأن نزول آن. زیرا

سوره علق اولین سوره مکی است در حالی که وفات/بوطالب سال‌ها بعد از رسالت پیامبر رخ داده است(همان: ۸۱).

المیدانی روایات زیادی را در مورد شأن نزول آیات و سور و فضیلت آن‌ها در تفسیر خود بیان کرده است ولی علی‌رغم ارائه این حجم از روایات شأن نزول و فضیلت، در مورد رابطه این روایات و ارتباط آن‌ها با تنزیل بحث قابل توجهی ارائه نکرده است، که به برخی از نمونه‌ها اشاره خواهد شد.

نمونه اول؛ در خصوص آیه ۱۰۶ سوره نحل بعد از نقل روایت سبب نزول، اینگونه می‌نویسد: «این اذن [که پیامبر(ص) به عمار برای بیان مطالب کفر آمیز داده بود] مخصوص او فقط نیست بلکه مطلبی عام است. و این [فقط] بیان پیامبر(ص) در مورد [نزول] آیه فوق می‌باشد»(المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۳: ۶۵۴).

مضمون این روایات در منابع شیعه نیز در خصوص تقیه عمار بن یاسر برای حفظ جانش از مسعدة بن صدقه به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۹؛ حمیری، ۱۳۷۷ش: ۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۵۸۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳: ۴۵۷).

نمونه دوم؛ ایشان در شأن نزول آیه ۲۱۴ سوره شعراء روایتی را از بخاری و مسلم نقل کرده است که پیامبر(ص) افراد شاخص و متقدم در ایمان را به کفر و شرک خطاب کرده است که از آن‌ها می‌توان به بنی هاشم، صفیه عمه پیامبر، عباس عموی پیامبر و فاطمه دخترش اشاره کرد(المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۸: ۷۱۹).

نقل این گونه روایات که با مسلمت تاریخی منافات دارد دلیلی جز تعصب مذهبی ندارد. این از مسلمت تاریخ است که حضرت زهر(س) از پیشگامان ایمان آورندگان به پیامبر(ص) در مکه بودند(طبرسی، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۹۶) و پیوسته از پیامبر(ص) حمایت می‌کرد. همچنین ایشان از جمله کسانی بود که به شکل خصوصی از پیامبر(ص) مطالبی را از معارف دینی یاد می‌گرفت(الأنصاری، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۷؛ به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۶۲ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۶۷ و نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۴۵ و سیوطی، بی‌تا، ج ۵: ۲۱۸) لذا به نظر می‌رسد که اگر المیدانی - همانگونه که در نقل روایات از حیث سند دقت دارد- به روایات از حیث محتوا و گزارشات تاریخی هم دقت به خرج می‌داد و

نسبت به مبانی درایة الحدیثی خود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود پای‌بند بود، اینگونه دچار لغزش نمی‌شد.

روایات تفسیری

وی در مورد بیان پیامبر(ص) در تفسیر آیات قرآن معتقد است که اگر روایتی صحیح‌السند باشد واجب است که از آن تبعیت شود. ایشان تفسیر اثری را علاوه بر بیان نبوی، شامل اقوال صحابه و تابعان و نیز سایر مفسران معتمد نیز می‌داند(المیدانی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۳). وی هدف خود را از دیدن نظرات، در روایات تفسیری و سایر اقوال را اثرپذیری نمی‌داند بلکه معتقد است که مفسر می‌بایست در آن‌ها تأمل کند و موارد مقبول و مردود را تشخیص دهد(همان). به عنوان نمونه ذیل تفسیر آیه ۱ سوره قمر به روایاتی استناد کرده است که به صحت سندی آن‌ها باور دارد و آن روایات را موجب یقین می‌داند و می‌نویسد: «و آنچه که در احادیث مروی صحیح آمده است، موجب اثبات یقین است که ماه برای پیامبر اسلام(ص) به دو نیمه شد در آن هنگام که بزرگان قومش(از کافران) از او خواستند تا معجزه‌ای حسی برای آن‌ها بیاورند، پس برای آن‌ها، آن معجزه را آورد»(المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۳۳۲). از نوع بیان وی معلوم می‌شود که ایشان در استنتاج و تحلیل از مباحث، به صحت سندی روایات دقت دارد تا تحلیل و تفسیرش از مباحث نیز صحیح باشند.

به طور کلی روایات موجود در تفسیر *المیدانی* به روایات نبوی، صحابه، تابعین و اهل بیت(ع) تقسیم می‌شوند که از میان روایات فوق استناد وی به روایات اهل بیت(ع) بسیار اندک و در حد پنج روایت می‌باشد که در قسمت‌های بعدی محتوای آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

روایات نبوی

المیدانی در تفسیر در مواضع مختلفی از روایات نبوی بهره برده است که این بخش از روایات در موضوعات گوناگونی همچون تفسیر آیات، آیه واژه، اعتقادات، تعیین مصداق و تاریخ مطرح شده‌اند. اکنون به ذکر چند نمونه پرداخته می‌شود.

نمونه تفسیر آیات: در بحث روایات تفسیری، ایشان ذیل آیات ۶۳ تا ۷۶ سوره فرقان که به ویژگی بندگان مؤمن خداوند اشاره می‌کند، جهت تکمیل مباحث و در راستای بیان آیات مورد نظر به روایتی از پیامبر(ص) استناد می‌کند: «و پیامبر(ص) تبیین کرده است که از صفات اساسی هر مسلمان این است که برادر مسلمانش از زبان و دستش در امان باشد. چنانچه بخاری و مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص از پیامبر(ص) روایت کرده‌اند که فرمود: مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از زبان و دستش در امان و سالم باشند و مهاجر کسی است که از آنچه خدای تعالی او را نهی کرده است، هجرت کند» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۶: ۶۱۳).

این روایت ناظر به آیات گذشته است و در واقع *المیدانی* این آیه را برای بیان ویژگی بیش‌تر مؤمنان ذیل آیات مربوطه آورده است یعنی علاوه بر صفات چهارده‌گانه‌ای که مطرح شده است این دو مورد را که عبارت‌اند از آزار نرساندن به دیگران و هجرت از گناهان است را برای تکمیل بهتر آیات فوق می‌آورد. ایشان در جای دیگر نیز از روایات تفسیری نبوی بهره برده است (همان: ۶۸۸).

نمونه آیه واژه: یکی از روش‌های نوپدید در بررسی واژگان قرآنی، بررسی سیر و تطور آن‌ها در گذر تاریخ و سیر نازل شده در متن قرآن است (سعیدی، ۱۳۹۸: ۸۴). *المیدانی* در تبیین آیه واژه علاوه بر توجه به تنزیل برای تبیین معنای لغوی (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۶۸) به روایات نبوی استناد کرده است. برای مثال طبق روایت پیامبر(ص) مصداق رجز را طاعون می‌داند که خداوند به واسطه آن، اقوام را عذاب کرده است (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۸۹).

ایشان در جای دیگر نیز از این نوع روایت‌ها برای تبیین معنای «سرادق» در آیه ۲۹ سوره کهف به نقل از پیامبر(ص) استناد کرده است (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۳: ۶۰) البته وی در اینجا این روایت را در تأیید معنای لغوی فوق آورده است.

نمونه اعتقادات: ایشان ذیل تفسیر آیه ۵۰ سوره مریم روایتی عجیب را از پیامبر(ص) نقل کرده است که منافی عصمت سایر انبیا می‌باشد: «بخاری و مسلم از ابوهریره روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: حضرت ابراهیم(ع) دروغ نگفت مگر سه مورد؛ دو مورد از آن‌ها درباره ذات خدای تعالی و نسبت دادن به ذات او بود؛

یکی از آن‌ها آیه «من کسالت دارم» و دیگری آیه «بلکه آن را این بزرگ‌ترشان کرده است» می‌باشد» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷: ۵۱۱).

ایشان در مواضع دیگر به نقل روایات اعتقادی نظیر معراج پیامبر(ص) پرداخته است (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۷: ۵۱۱).

نمونه تعیین مصداق: /المیدانی در مواضع مختلفی از روایات پیامبر(ص) برای تعیین مصداق برخی آیات بهره برده است. به عنوان نمونه ذیل تفسیر آیه ۶۸ سوره زمر که درباره زمان برپایی قیامت و این که همه موجودات می‌میرند، مصادیق عبارت «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» را بر اساس روایت نبوی اینگونه می‌نویسد: «از آنس روایت شده است که گفت از پیامبر(ص) درباره معنای آیه «مگر هر آن کس را که خدا بخواهد» سؤال کردم. پس فرمود: [آن‌ها] جبرائیل و میکائیل و ملک الموت و اسرافیل و حاملان عرش [الهی] می‌باشند» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲: ۲۷۶).

به نظر می‌رسد او این روایت را در تأیید دیدگاه تفسیری‌اش که مصادیق این استثنا را ملائکه می‌دانست آورده است چنانچه در همانجا نوشته است: «"مَنْ" اسم موصول خاص است که مربوط به موجودات صاحب درک و علم می‌شود که آن‌ها ملائکه آسمان و انسان و جنیان و ملائکه زمین می‌باشند و مراد از آن [به طور کلی] همه موجودات زنده در آسمان‌ها و زمین می‌باشد» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲: ۲۷۶).

البته ایشان در مواردی که چاره‌ای جز رجوع به روایات ندارد، از روایات بهره برده است مثل تعریف اعراف (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۲۴۶) و نیز سایر مباحث تاریخی یا معاد که قابل اجتهاد نمی‌باشند.

روایات صحابه

المیدانی از میان صحابه و اخبار آن‌ها بیش‌تر از همه به اخبار ابن عباس توجه داشته است و از ایشان در حوزه‌های تفسیر آیات (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۱۰)، بیان آیه واژه (همان: ۸۹) و تاریخ (همان، ج ۴: ۴۶۹) روایت نقل کرده است. از دیگر صحابه می‌توان به نقل اخبار از **بودر غفاری** (همان، ج ۷: ۵۴۶) و **بوهریره** (همان، ج ۶: ۴۴۸) اشاره نمود.

بیان روایت تفسیری از ابن عباس: ایشان در روایتی از ابن عباس در تفسیر آیه ۲۳ سوره شوری اینگونه نقل کرده است: «در صحیح بخاری و غیر آن آمده است که از ابن عباس از قول خدای عزوجل به رسولش (ص) که فرمود بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان» سؤال شد. در محضر او سعید بن جبیر نیز حضور داشت. سعید برای پاسخ به سؤال او مبادرت ورزید و گفت: مراد از آن، نزدیکان به خاندان پیامبر (ص) است. ابن عباس به او گفت: شتاب کردی (یعنی این، مراد آیه نیست)، هیچ شخصی از قریش نیست مگر اینکه میان آن‌ها قرابتی وجود دارد، پس به آن‌ها گفت مگر آنکه به آنچه از قرابت که بین من و شماست خود را برسانید [یعنی هر کس که با عمل صالح خود را به من نزدیک گرداند]» (همان، ج ۱۲: ۶۲۱).

المیدانی در این روایت تفسیر آیه مذکور را منحصر به نزدیکان خاندان پیامبر (ص) نمی‌داند بلکه هر کس را که به نحوی بتواند با اعمال صالح خود، را به پیامبر (ص) نزدیک گرداند شامل حکم آیه می‌شود. یعنی *ابن عباس* معتقد است آیه عام است ولی به شرطی که مکلفان بتوانند با اعمال نیک، خود را شایسته قرابت با پیامبر (ص) کنند.

بیان آیه واژه از ابن عباس: ایشان در روایتی از *ابن عباس* در معنای واژه لبد ذیل آیه ۱۹ سوره جن اینگونه نقل کرده است: «و معنی لبد: یرکب بعضهم بعضاً» (همان، ج ۵: ۶۱۳).

بیان روایت تاریخی از ابن عباس: ایشان در نقل مباحث تاریخی نیز از اخبار *ابن عباس* استفاده کرده است مثلاً ذیل تفسیر آیه ۱۰۷ سوره اعراف در بیان ویژگی‌های «ثعبان» حضرت موسی (ع) می‌نویسد: «و از ابن عباس روایت شده است: ثعبانی که از عصای در دست حضرت موسی در مجلس فرعون [ایجاد و] متحول شد، دهانش را باز کرد به طوری که فک پایین آن در زمین و فک بالایی آن در سقف بود. پس اگر اینگونه باشد قطعاً آن مار، به طور جدی ترسناک بوده است» (همان، ج ۴: ۴۶۹).

از نوع استفاده ایشان در پایان روایت معلوم می‌شود که وی در نقل اخبار در مباحث تاریخی برای فهم مراد آیه بهره می‌برد و بدون در نظر گرفتن سند آن‌ها، به شرط صحت متنی روایت، آن را در فهم آیه داخل می‌کند.

روایات تابعین

المیدانی ذیل بسیاری از مباحث تفسیری خودش از اخبار تابعین نیز بهره برده است. از میان تابعین می‌توان به شخصیت‌هایی همچون *قتاده* (همان، ج ۷: ۴۶۶) در موضوعاتی همچون سبب نزول اشاره کرد. به عنوان نمونه ایشان ذیل تفسیر آیه ۳۰ سوره فصلت به طرح دیدگاه چند تن از صحابه در تفسیر این آیه اقدام کرده و بعد از طرح دیدگاه تفسیری ایشان، تعدادی را نقد و بررسی کرده است: «ابن زید و مجاهد از اهل تأویل می‌گویند: مراد این است که ملائکه هنگام موت بر آن‌ها نازل می‌شوند. و قتاده می‌گوید: هنگامی که از قبورشان برانگیخته شدند در هنگام بعث و حشر، بر آن‌ها نازل می‌شوند. و کعب [ابن جراح] می‌گوید: بشارت در سه موضع می‌باشد: هنگام موت و در قبر و لحظه برانگیخته شدن. من [یعنی *المیدانی*] می‌گویم: آنچه را که کعب گفته است بسیاری از نصوص بر آن شهادت می‌دهند و عبارت خدای تعالی در این آیه که فرمود «که وعده یافته بودید» دلالت بر این دارد که بشارت ملائکه [برای اهل ایمان] در هنگام انتهای این دنیا و لحظه امتحان رحلت و مرگ در حیات دنیوی می‌باشد و آن، هنگام خرخر کردن در حالت جان دادن است که حیات به انتهای خود می‌رسد» (همان، ج ۶: ۴۶۶).

روایات اهل بیت (ع)

المیدانی در همه تفسیر خود فقط در پنج موضع از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده است. که چهار روایت از *امام علی (ع)* و یک روایت از *امام سجاد (ع)* می‌باشد. روایات *امام علی (ع)* در موضوع تفسیر و فضائل سور و تأثیر آیات و سور بود و روایت *امام سجاد (ع)* در حوزه مباحث اخلاقی می‌باشد.

الف. روایات امام علی (ع)

نمونه اول: ایشان ذیل تفسیر آیه ۶۸ سوره یونس در بیان معنای «سبحان الله»، به روایتی از *أزهری* استناد می‌کند: «أزهری با اسنادش روایت کرده است که «ابن الکوّاء» از *علی (ع)* در تفسیر «سبحان الله» سؤال کرد. پس امام *علی (ع)* به ایشان فرمود: این

کلمه‌ای است که خداوند برای [توصیف] خودش برگزیده و [دیگران را] به آن توصیه کرده است» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۰: ۱۸۸).

نمونه دوم: روایتی را از امام علی (ع) در فضیلت حروف مقطعه اینگونه نقل کرده است: «و از علی (ع) روایت شده است که فرمود: برای هر کتابی [مطالب] برگزیده‌ای وجود دارد و [مطالب] برگزیده این کتاب- یعنی قرآن- حروف الفبا- یا همان حروف مقطعه- می‌باشد» (همان، ج ۱: ۲۰۸).

ایشان غیر از این روایت در آن بخش از تفسیرش: به روایات دیگری در فضیلت حروف مقطعه و اهمیت آن‌ها اشاره کرده است (همان).

نمونه سوم: از امام علی (ع) در تفسیر «ماعون» روایتی را اینگونه آورده است: «و از علی (ع) روایت شده است که فرمود: مراد از ماعون همان زکات است» (همان: ۶۹۶).

نمونه چهارم: در بحث تأثیر آیات و عملکرد آن‌ها، *المیدانی* یک روایت را به این شکل آورده است: «طبرانی در کتاب معجم الصغیر خودش روایتی را از علی بن ابی طالب تخریج کرده که فرمود: عقربی پیامبر (ص) را در حال نماز نیش زد. هنگامی که فارغ شد فرمود: خدا عقرب را لعنت کند که نه نماز گزار و نه غیر آن را رها نمی‌کند (و نیش می‌زند) آنگاه [برای بهبود زخمش] آب و نمک خواست و همزمان که [با دست، پایش را] لمس می‌کرد سوره‌های کافرون و توحید و فلق و ناس را قرائت می‌کرد» (همان، ج ۲: ۲۵).

ب. روایت امام سجاده (ع)

در مباحث اخلاقی فقط یک روایت از امام سجاده (ع) نقل کرده که البته با سند دیگری از پیامبر (ص) نیز نقل نموده است: «مالک و احمد از امام علی بن الحسین [علیه السلام] و ابن ماجه از ابوهریره از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: از زیبایی اسلام یک شخص ترک آنچه را که خدای تعالی اراده نکرده و نخواست است، می‌باشد (یعنی مقصود او نبوده و به آن نیازمند نمی‌باشد)» (همان، ج ۶: ۶۵۴).

این روایت در منابع حدیثی شیعه نیز در یک جا از امام زین العابدین (ع) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۱۹۵) در موضع دیگری از امام باقر (ع) (همان، ۱۹۹؛ کوفی اهوازی،

۱۴۰۲ق: ۱۰) و در جای دیگر از پیامبر(ص)(راوندی کاشان، بی تا: ۲۷؛ إربلی، ۱۳۸۱ش، ج ۲: ۶۱) نقل شده است که میزان نقل روایت فوق از پیامبر(ص) نسبت به سایرین در منابع حدیثی شیعه بیش تر از سایر معصومان(ع) بود.

فقه الحدیث روایات

المیدانی غیر از نقل روایات تفسیری، در برخی مواضع به تحلیل و بررسی آن‌ها نیز اقدام کرده که در اصطلاح به آن فقه الحدیث می‌گویند. وی فقط روایاتی را تبیین کرده است که ناظر به تفسیر آیه مورد نظر می‌باشند.

نمونه اول: او در بحث «تأثیر الإصابة بالعین» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۷۳) از دو روایت برای اثبات مطلب فوق استفاده کرده و ذیل هر کدام به توضیحی مختصر درباره مدلول آن‌ها پرداخته است:

۱) *امام مسلم و امام احمد از ابن عباس رضی الله عنهما* از پیامبر(ص) روایت کرده‌اند که فرمود: چشم زخم حق است و اگر چیزی پیش رو باشد که چشم زخم بر آن پیشی گرفته باشد پس هرگاه مورد شست و شو واقع شدید [خود] را بشوید. و این یعنی هر وقت از چشم زنده خواسته شد که دور و بر خود را بشوید تا اینکه آب را بگیرد و بر کسی که چشم زخم خورده است بریزد، لازم است که انجام دهد.

۲) *بخاری و مسلم و دیگران از ابوهریره از پیامبر(ص)* نقل کرده‌اند که فرمود: چشم زخم حق است. یعنی ضرب و آسیب رساندن با نیروی چشم از امور سببی است که خدای تعالی آن را به صورت حق و واقعی در عالم هستی قرار داده است.

نمونه دوم: ایشان در ابتدای تفسیر سوره حمد بعد از اینکه روایات مربوط به اسماء سوره فاتحه الكتاب را می‌آورد، در تحلیلی به علت نامگذاری این سوره به آن نام‌ها تحلیلی را ارائه می‌دهد: «ابن جریر طبری در تفسیرش از ابوهریره از پیامبر(ص) نقل کرده است که فرمود: [سوره حمد] ام القرآن و فاتحة الكتاب و سبع المثانی است. و طبرانی همانند این حدیث را روایت کرده و گفته است: تمامی رجال آن حدیث ثقه هستند. [المیدانی می‌گوید: آن سوره، فاتحة الكتاب نامیده شد چون قرائت با آن آغاز می‌گردد و صحابه کتابت و نگارش مصحف امام را با آن آغاز کردند. و به أم القرآن

نامگذاری شد به دلیل اشتغال آن سوره بر مهم‌ترین موضوعات قرآن. و به سبع مثانی نامگذاری شد چون آن سوره هفت آیه دارد که در نماز تکرار می‌شود و در هر رکعتی خوانده می‌شود. و نیز هر آنچه که بر اساس یک سیستم واحد، تکرار می‌شود در زبان عربی لفظ مثانی بر آن اطلاق می‌گردد» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۷۹).

استخراج حکم فقهی با روایات

چون تفسیر *المیدانی* تنزیلی است لذا مجالی برای تفسیر سوره‌های مدنی که اصولاً بعد از سوره‌های مکی نازل شده‌اند در تفسیرش باقی نماند. لذا در اندک مواردی هم که فرصت بیان احکام مهیا می‌شد در مواردی برای استخراج حکم فقهی و تأیید آن از روایات فقهی اهل سنت استفاده کرده است.

به عنوان نمونه ذیل تفسیر آیه آخر سوره حمد حکم فقهی گفتن «آمین» را بر اساس روایات متواتر می‌داند و می‌نویسد: «و سنت صحیح و صریح و ثابت که متواتر می‌باشد دال بر مشروعیت تأمین بخش انتهایی سوره حمد در بحث تلاوت آن می‌باشد که از آن روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احمد [حنبل] و ابو داوود [سجستانی] و ترمذی از وائل بن حُجر نقل کرده‌اند که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) آیه ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ را قرائت کرد و بعد از آن به شکل کشیده و صدای بلند گفت آمین. و در حدیث ابوداوود آمده است که: صدایش را هنگام تلاوت آن بلند کرد. ترمذی می‌گوید این حدیثی حسن است که همچنین نسایی و ابن ابی شیبه و ابن ماجه [قزوینی] و حاکم [نیشابوری] آن را نقل کرده‌اند و صحیح دانسته‌اند» (المیدانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۳۱۴).

البته این حکم از نظر فقهای شیعه مورد قبول نیست و اگر کسی در پایان سوره حمد، کلمه «آمین» را با مد بخواند نمازش باطل خواهد بود. این مطلب در منابع روایی شیعه نیز آمده است (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۱۸) البته برخی از علمای اهل سنت معتقدند که مسلمانان اتفاق دارند که کلمه آمین جزء نماز نیست (رشیدرضا، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۹).

المیدانی در پذیرش یا رد روایات به مبانی درایة الحدیثی توجه دارد و همه روایات و اقوال را بی قید و شرط نمی‌پذیرد. لذا هدف خود را از دیدن نظرات، در روایات تفسیری

و سایر اقوال را اثرپذیری نمی‌داند بلکه معتقد است که مفسر می‌بایست در آن‌ها تأمل کند و موارد مقبول و مردود را تشخیص دهد (المیدانی، ۱۴۳۰ق: ۱۳۳).

نتیجه بحث

مفسر در طول تفسیر خود بارها به روایات مراجعه نموده و بر اساس آن تفاسیری را ارائه نموده است. نخستین استفاده مفسر از روایات در تفسیر که به شکل‌دهی تفاسیر ایشان مرتبط می‌شود استفاده از روایاتی است که ترتیب نزول را تبیین می‌نمایند. مفسر در این مرحله علاوه بر آنکه به لزوم مراجعه به این روایات معتقد است از آن به صورت عملی بهره برده است.

دسته دیگر روایات که مورد توجه مفسر قرار گرفته است روایاتی است که به شان نزول آیات و سوره و فضیلت آنها می‌پردازد. *المیدانی* روایات زیادی را در مورد شأن نزول آیات و سوره و فضیلت آنها در تفسیر خود بیان کرده است ولی علی‌رغم ارائه این حجم از روایات شان نزول و فضیلت، در مورد رابطه این روایات و ارتباط آنها با تنزیل بحث قابل توجهی ارائه نکرده است.

دسته دیگر روایات، روایاتی است که، در مقام بیان مصداق و تبیین مباحث قصص و احکام فقهی می‌باشند. *المیدانی* از این روایات و اخبار استفاده کرده و در خلال مباحث محتوایی خود در تفسیر آیات، به این دسته از روایات و اخبار استناد کرده است. *المیدانی* در تفسیر در مواضع مختلفی از روایات نبوی بهره برده است که این بخش از روایات در موضوعات گوناگونی همچون تفسیر آیه واژه، تاریخ، تفسیر آیات، تعیین مصداق و اعتقادات مطرح شده‌اند.

به طور کلی روایات موجود در تفسیر *المیدانی* به روایات نبوی، صحابه، تابعین و اهل بیت (ع) تقسیم بندی می‌شوند. که از میان روایات فوق: استناد وی به روایات اهل بیت (ع) بسیار اندک و در حد ۵ روایت می‌باشد.

المیدانی در مورد بیان پیامبر (ص) در تفسیر آیات قرآن معتقد است «که اگر صحیح -السند- باشد واجب است که از آن تبعیت شود. ایشان تفسیر اثری را علاوه بر بیان نبوی، شامل اقوال صحابه و تابعان و نیز سایر مفسران معتمد نیز می‌داند». از نوع بیان

وی معلوم می‌شود که ایشان در استنتاج و تحلیل از مباحث، به صحت سندی روایات دقت دارد تا تحلیل و تفسیرش از مباحث نیز صحیح باشند.

المیدانی در پذیرش یا رد روایات به مبانی *درایة الحدیثی* توجه دارد و همه روایات و اقوال را بی‌قید و شرط نمی‌پذیرد. لذا هدف خود را از دیدن نظرات، در روایات تفسیری و سایر اقوال را اثرپذیری نمی‌داند بلکه معتقد است که مفسر می‌بایست در آنها تأمل کند و موارد مقبول و مردود را تشخیص دهد.

این شیوه تفسیری چون بنای خود را بر پایه جداول تنزیلی تاسیس می‌کند و این جداول مستند به اخبار آحاد است نمی‌تواند شیوه‌ای متقن باشد زیرا سیر نزول سور و آیات در ارائه نتایج توسط مفسرین اهمیت پیدا می‌کند. همچنین می‌توان گفت: عمده نتایج تفسیری مبتنی بر روایات در تفسیر *المیدانی* حاصل توجه به تنزیل نیست و از مبانی غیر تنزیلی مفسر مثل مبانی کلامی و نگرش‌های اعتقادی و ادبی ایشان حاصل شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن سزآن، فضل. ۱۳۴۷ش، **الإيضاح**، جلال الدین محدث ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن قتیبه، عبدالله. ۱۴۰۶ق، **تأویل مختلف الحديث**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوریه، محمود. ۱۳۸۹ش، **شیخ المضیره ابوهریره**، قم: انصاریان.
- إربلی، علی بن عیسی. ۱۳۸۱ش، **کشف الغمة فی معرفة الائمة**، تبریز: بنی هاشمی.
- آلوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اندلسه، ابو حیان محمد بن یوسف. ۱۴۲۰ق، **البحر المحیط فی التفسیر**، بیروت: دار الفکر.
- الأنصاری زنجانی، اسماعیل. بی تا، **الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء**، قم: دلیل ما.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. ۱۳۷۴ش، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه البعثة.
- بهجت پور، عبد الکریم. ۱۳۹۳ش، **همگام با وحی**، قم: مؤسسه تمهید.
- بهجت پور، عبد الکریم. ۱۳۹۴ش، **شناختنامه تنزیلی سوره های قرآن**، قم: مؤسسه تمهید.
- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق. ۱۴۲۲ق، **الکشف والبیان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. بی تا، **تفسیر موضوعی قرآن: قرآن در قرآن**، قم: إسرائ.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۴ق، **هدایة الأمة**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. ۱۳۷۷ش، **قرب الإسناد**، قم: مؤسسه آل البيت.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. بی تا، **النوادر**، قم: دار الکتب.
- رشید رضا، محمد. ۱۴۱۰ق، **تفسیر المنار**، بیروت: دار المعرفة.
- سید بن قطب، ابراهیم شاذلی. ۱۴۱۲ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت- قاهره: دار الشروق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. بی تا، **جامع الأحادیث**، بیروت: دار الفکر.
- شوکانی، محمد. ۱۴۲۰ق، **فتح القدير**، دمشق: دار ابن کثیر.
- صدوق: محمد بن علی. ۱۳۶۲ش، **الخصال**، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۹۰ش، **إعلام الوری بأعلام الهدی**، تهران: اسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۹۰ق، **استبصار**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن. بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- فخرالدین رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید. ۱۴۰۲ق، **الزهد**، قم: العلمية.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدتقی. ۱۴۰۶ق، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره المتقین**، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مراغی، احمد بن مصطفی. بی تا، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۸ش، **تفسیر و مفسران**، چاپ پنجم، قم: تمهید.
- معرفت، محمد هادی. ۱۴۲۵ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- المیدانی، عبدالرحمن حسن. ۱۴۲۳ق، **معارج التفکر ودقائق التدبر**، دمشق: دار القلم.
- المیدانی، عبدالرحمن حسن. ۱۴۳۰ق، **قواعد التدبر الأمثل لکتاب الله عز وجل**، دمشق - بیروت: دار القلم - دار الشامیة.
- نوری، میرزا حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، قم: آل البيت.
- نویهض، عادل. ۱۴۰۹ق، **معجم المفسرین**، بی جا: مؤسسه نویهض الثقافیة للتألیف والترجمة والنشر.

مقالات

- ایازی، سیدمحمدعلی. ۱۳۸۹ش، «نقدی بر فواید تفسیر ترتیب نزولی»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲-۶۳، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- سعیدی، علی. ۱۳۹۸ش، «حوزه معنایی جهاد و واژه‌های همنشین آن با تکیه بر سیر نزول»، مطالعات قرآنی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۸۱-۱۰۶.
- صدر، سید موسی. ۱۳۸۹ش، «سنجش ادله موافقان و مخالفان تفسیر بر اساس ترتیب نزول»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲-۶۳، صص ۱۵۰-۱۶۵.
- نکونام، جعفر. ۱۳۸۹ش، «نقد و بررسی رویکردهای مختلف تفسیر بر اساس نزول»، پایگاه اینترنتی مدهامتان.

Bibliography

- Holy Quran.
Ibn Shazan, Fadl. 1968, Illah, Jalal ad-Din Muhaddith Armavi, Tehran: Daneshgah publications, Tehran.

- Ibn Qutayba, Abdullah. 1406 BC, Interpretation of the various hadiths, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Abureh, Mahmoud. 2010, Sheikh Al Mudhaira Abu Huraira, Qom: Ansarian.
- Erbilly, Ali bin Issa. 2002., Uncovering the Grim in the Knowledge of the Imams, Tabriz: Banu Hashemi.
- Alusi, Seyyed Mahmoud. 1415 BC, The Spirit of Meanings in the Interpretation of Holy Quran, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Andalusia, Abu Hayyan Muhammad ibn Yusuf, 1420 BC, The Ocean in Interpretation, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Al-Ansari Zanjani, Ismail. The Great Encyclopedia on the authority of Fatimah al-Zahra, Qom: Dalil ma
- Bahrani, Seyyed Hashem bin Suleiman. 1374 A.M., Al-Burhan fi Tafsir Al-Qur'an, Qom: Mission Institution.
- Bahjatpour, Abdul Karim. 1393 , Hamgam ba Wahi, Qom: Tamheed Foundation.
- Thalabi Nishapuri, Abu Ishaq. 1422 BC, Revealing and Explaining the Interpretation of Holy Quran, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.
- Jawadi Amoli, Abdullah, Objective Interpretation of Holy Quran: Qur'an Dar Qur'an, Qom: Isra'.
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan. 1409 BC, Shiite media, Qom: Aal al-Bayt Foundation.
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan. 1414 BC, Guiding the Nation, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Hamiri, Abdullah bin Jaafar. 1377 , near the chain of transmission, Qom: Aal al-Bayt Foundation.
- Rawandi Kashani, Fadlullah bin Ali. Bi-ta, Al-Nawadir, Qom: Dar Al-Kitab.
- Rashid Reda, Muhammad. 1410 BC, Interpretation of Al-Manar, Beirut: House of Knowledge.
- Syed bin Qutb, Ibrahim Shazly. 1412 BC, In the Shadows of Holy Quran, Beirut - Cairo: Dar Al-Shorouk.
- Siouti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. Jami' al-Ahadith, Beirut: Dar al-Fikr.
- Shawkani, Muhammad. 1420 BC, Fath al-Qadir, Damascus: Ibn Kathir House.
- Sadouq: Muhammad bin Ali, 1983, Al-Khisal, Qom: Teachers University.
- Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossain. 1417 BC, The Balance in the Interpretation of Holy Quran, Qom: Teachers University.
- Tabarsi, Fadl bin Hassan. 1993, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Nasir Khusraw.
- Tabarsi, Fadl bin Hassan, 2011, Al-Wari flags with the flags of guidance, Tehran: Islamic.
- Tosi, Muhammad bin Hassan, 2011, Insight, Tehran: House of Islamic Books.
- Tosi, Muhammad bin Hassan. Beta, Al-Tibyan fi Tafsir Al-Qur'an, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.
- Fakhruddin Razi, Muhammad bin Omar. 1420 BC, Keys to the Unseen, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.
- Kelly, Muhammad bin Yaqoub. 1407 BC, Al-Kafi, Tehran: House of Islamic Books.
- Kofi Ahwazi, Hussein bin Saeed. 1402 BC, Al-Zuhd, Qom: Scientific.
- Majlis, Muhammad Baqer. 1403 BC, Bihar Al-Anwar, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.
- Majlis, Muhammad Taqi. 1406 BC, Rawdat al-Mutaqin in an explanation of the one who does not attend the pious, Qom: Farhangi Islami Foundation, Koshanpur.

Maraghi, Ahmed bin Mustafa. Tafsir Al-Maraghi, Beirut: House of Revival of the Arab Heritage.

Ma'refat, Mohamed Hadi. 2009, Tafsir and two commentators, Qom: Preface.

Ma'refat, Mohamed Hadi. 1425 B.C., Introduction to the Sciences of Holy Quran, Qom: An Islamic Publication Institution.

Al Meydani, Abdul Rahman Hassan. 1423 A.D., The Ascents of Contemplation and the Minutes of Contemplation, Damascus: Dar Al-Qalam.

Al-Maidani, Abd al-Rahman Hassan, 1430 BC, the rules of optimal reflection on the Book of God Almighty, Damascus - Beirut: Dar al-Qalam - Dar al-Shamiya.

Nouri, Mirza Hussain bin Muhammad Taqi. 1408 BC, Mustadrak Al-Wasail, Qom: Aal al-Bayt.

Noueihed, Adel. 1409 BC, Dictionary of Interpreters, Peja: Nuwaid Cultural Foundation for authorship, translation and publication.

Articles

Ayazi, Seyed Mohammad Ali 2010, "A Critique of the Benefits of Interpreting the Deductive Order", Quranic Studies, No. 62-63, pp. 125-149.

Saeedi, Ali 1398, "The semantic field of jihad and its companion words based on the course of revelation", Quranic Studies, 10th Year, No. 37, pp. 81-106.

Sadr, Seyed Musa 2010, "Assessing the arguments of the proponents and opponents of interpretation based on the order of revelation", Quranic Research, No. 62-63, pp. 150-165.

Nekounam, Jafar. 2010, "Critique and review of different approaches to interpretation based on revelation", Madhamtan website.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 48, Winter 1400, pp.291-312

A Study on the Application of Bel Ma'thour Interpretation Approach in Al Meydani interpretation

Receiving Date: 9 May,2019

Acceptance Date: 17 August,2019

Mostafa Attar Abkenari: PhD Candidate, Faculty of Quran Science & Hadith, Law, Theology & Politics, Islamic Azad University, Science & Research Branch

Seyyed Mohammad Ali Ayazi: Assistant Professor, Faculty of Quran Science & Hadith, Law, Theology & Politics, Islamic Azad University, Science & Research Branch
ayyazi1333@gmail.com

Kazem Qazi Zadeh: Assistant Professor, Faculty of Quran Science & Hadith, Tarbiyat Modarres University

Corresponding Author: Seyyed Mohammad Ali Ayazi

Abstract

The interpretation of "Ma'arij al-Tafakor" has been written in an deductive way by al-Meydani, one of the contemporary Sunni commentators; one of the interpreter tools in this commentary is the application of "Bel Ma'thour" interpretation. In the present study, while explaining how the commentator uses the narrations in detail, the relationship between the mentioned approach and the interpreter's deductive interpretation style has been surveyed. This research is a type of basic research based on theoretical studies that seeks descriptive content analysis by examining documents (library collection method) by categorizing the narrations used by the commentator in terms of the content of the narrations and the source of narration, a detailed explanation of Al-Meydani's performance in the field of effective interpretation and finally concludes that the main results of narrative interpretation based on Al-Meydani interpretation are not the result of attention to reduction and are derived from the non-deductive principles of the commentator such as his theological principles and beliefs and literary attitudes. It should be noted that this research is completely new in terms of content as well as studying the relationship between narrative interpretation approach and deductive style.

Keywords: narrative interpretation, deduction, Bel Ma'thur, Al Meydani.